

# "غرب آسیا" به جای "خاورمیانه"

گفت‌وگویی با دکتر حسن عباسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با اساتید دانشگاه در سال جاری به نکته خاصی اشاره کردند که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. ایشان فرمودند:

"من اصرار دارم این منطقه را «غرب آسیا» بگوییم نه «خاورمیانه». تعبیر خاور دور، خاور نزدیک و خاورمیانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا. یعنی مرکز دنیا اروپاست، هر جایی که از اروپا دورتر است اسم آن خاور دور است و هر جایی که نزدیکتر است، خاور نزدیک است و هر جا وسط است خاورمیانه است!

این تعریف خود اروپایی‌هاست، در حالیکه ما آن را قبول نداریم. آسیا یک قاره است که شرق و غرب و میانه‌ای دارد و کشور ما در غرب آسیا واقع شده است، بنابراین منطقه‌ای که ما در آن هستیم غرب آسیا است نه خاورمیانه." رادیو معارف در یکی از برنامه‌های خود (کنکاش) این موضوع را با دکتر حسن عباسی، رئیس مرکز مطالعات امنیت بدون مرز مطرح کرده است. ضمن تشکر از همکار گرامی آقای احمد عارفخانی، امیدواریم مطالعه این مطالب اطلاعات مفیدی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

مدیر مسئول

اگر شما در زمین حریف  
مجبور شدید با قواعد  
حریف بازی کنید  
می شود اقدام متقارن  
منفی. اما اگر شما و  
حریف آمدید در زمین  
خودتان یعنی حریف  
شما را به عقب راند و  
جلوی دروازه شما و با  
قواعد دشمن بازی کردید  
می شود نامتقارن منفی  
که بدترین حالت است.



قرن نوزدهم به مطالعه اینکه چگونه انگلیس به چنین ترازوی از قدرت جهانی دست یافته، پرداخت و این تئوری را مطرح کرد که انگلستان از طریق دریاها و نیز سلطه بر دریاها توانسته کشورهای جهان را در زیر یوغ خود بگیرد. همانطور که می دانید، کشور آمریکا از دو طرف توسط اقیانوس محصور شده است؛ اقیانوس آرام در غرب و اقیانوس اطلس در شرق. این کشور از طریق این دو اقیانوس با بزرگترین خشکی کره زمین که قاره آسیا و اروپاست در ارتباط است. آلفرد ماهان با توجه به تجربه انگلیس به این نتیجه رسید که اگر

گسترده در زمینه بسیاری از کشورها و از جمله انگلستان انجام داد. انگلستان آن موقع امپراتوری گسترده ای داشت و معروف بود که در سرزمین های تحت سلطه این کشور آفتاب غروب نمی کند. این مناطق در آفریقا، آمریکا و آسیا سرزمین های زیادی تحت سلطه کشور کوچکی که تقریباً یک ششم کشور ما ایران است را شامل می شد. این کشور کوچک با جعل کردن اصطلاح «بریتانیای کبیر» و آن دامنه استعماری که در سراسر جهان داشت از خود یک کشور عظیم با هژمونی بالا ایجاد کرده بود. با این تلقی آلفرد ماهان در اواخر

■ جناب آقای عباسی! بفرمایید «خاورمیانه» به کجا گفته می شود و این واژه از چه زمانی در فرهنگ سیاسی متداول شده است؟  
■ مفهوم خاورمیانه واژه ای است که در سال ۱۸۹۴ توسط دریاسالار آمریکایی، آلفرد تایر ماهان (Alfred Tayer Mahan) مطرح شد که در آن دوران رئیس دانشگاه جنگ نیروی دریایی آمریکا بود.  
آلفرد تایر ماهان پس از اینکه از فرماندهی نیروی دریایی کنار گذاشته شد و به ریاست دانشگاه جنگ نیروی دریایی آمریکا منصوب شد، مطالعاتی

آمریکا بخواهد سلطه‌ای همچون انگلیس داشته باشد و جهان را مدیریت کند، باید بر منطقه خشکی بزرگ سیطره داشته باشد تا بتواند آن را کنترل نماید. بر این مبنا تئوری هیدروپولیتیک را مطرح کرد و چون دانشگاه نیروی دریایی در واشنگتن یعنی شمال شرق آمریکا واقع شده، نگاه او به سمت خشکی شرق بود؛ یعنی به سمت ماوای اقیانوس اطلس. آلفرد ماهان شرق را به سه قسمت تقسیم کرد: «خاور نزدیک، خاور میانه و خاور دور». خاور نزدیک، اروپا، خاور میانه منطقه‌ای که ما در آن هستیم و منطقه‌ای به نام خاور دور که عمدتاً کشورهای شرق آسیا و جنوب شرق آسیا را دربر می‌گیرد. امروزه در پهنه علوم سیاسی، حقوق بین‌الملل و تجارت بین‌الملل اصطلاح «خاور دور» و «خاور نزدیک» کمتر استفاده می‌شود، اما روزانه ده‌ها هزار بار در مطبوعات و رسانه‌ها اصطلاح «خاور میانه» مطرح می‌شود که منطقه غرب آسیا را دربر می‌گیرد. البته در دو سه دهه اخیر شاخ آفریقا و کشورهای شمال آفریقا هم به آن اضافه شدند. این اصطلاح در دوره جرج بوش توسط نومحافظه‌کاران آمریکا اشاعه یافت و کل جهان اسلام، خاور میانه نامیده شد که آن زمان تحت عنوان «طرح خاور میانه بزرگ» لقب گرفت و منطقه‌ای به طول یازده هزار کیلومتر از اندونزی تا کشور مغرب (مراکش) و عرض پنج هزار کیلومتر از تانزانیا تا منطقه چین و داغستان (منطقه مسلمان‌نشین شمال دریای خزر) را در نظر داشتند. این طرح در دوره بوش شکست خورد و موفق نشدند آن را عملیاتی کنند. بنابراین، این دامنه را محدود کردند. البته همچنان خاور میانه را جنوب غرب آسیا و بخشی از شمال آفریقا می‌نامند.

□ چرا ما نباید این واژه را به کار

**ببریم؟ خوب بالاخره این واژه یک مفهوم جهانی است و به یک مفهوم جهانی تبدیل شده و امکان حذف هم ندارد؟**

■ تا زمانی که ما خود را جزئی از خاور میانه بدانیم، طبق قواعد آلفرد ماهان بازی می‌کنیم. در تفکر استراتژیک مثل بازی فوتبال چهار عملیات صورت می‌گیرد: اول تعیین زمین خودمان، دوم مشخص کردن زمین حریف، سوم اینکه حریف با چه قواعدی بازی می‌کند و چهارم آنکه با چه قواعدی باید بازی کرد. اگر شما در زمین خودتان با قواعد خودتان بازی کنید این می‌شود اقدام متقارن مثبت؛ یعنی زمین و قواعد بازی خودتان که از آن خود شماست متقارن است. اگر شما در زمین دشمن و حریفان با قواعد خودتان بازی کنید می‌شود اقدام نامتقارن مثبت که هنر عملیاتی جمهوری اسلامی است. اگر شما در زمین حریف مجبور شدید با قواعد حریف بازی کنید می‌شود اقدام متقارن منفی. اما اگر شما و حریف شما را به عقب راند و جلوی دروازه شما و با قواعد دشمن بازی کردید می‌شود نامتقارن منفی که بدترین حالت است. زمین منطقه جنوب غرب آسیا متعلق به ماست. مفهوم «خاور میانه» و قواعدی که به خاور میانه مطرح می‌شود مربوط به غربیان و بیگانگان است. تا زمانی که ما در اینجا مطالعات خاور میانه داریم یعنی خودمان را در شرق آمریکا تعریف می‌کنیم که این بار معنای بسیار گسترده‌ای دارد و بسیار اشتباه است. اگر شما به اخبار در رسانه‌های جهان حتی رسانه‌های خودمان توجه کنید، می‌گویند صلح رژیم صهیونیستی و دولت خودگردان فلسطین را طرح صلح خاور میانه می‌گویند، در حالی که اگر قرار است فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی مذاکره کنند چرا این

طرح صلح خاور میانه نامیده می‌شود؟ چه معنایی دارد وقتی طرح آشتی رژیم صهیونیستی با فلسطینی‌ها مطرح است؟ چرا ما باید بگوییم صلح خاور میانه یعنی همه کشورهای این منطقه باید با رژیم صهیونیستی مذاکره کنند؟ اساساً در زمین خودمان با قواعد دشمن داریم بازی می‌کنیم و این مفاهیم در عرصه سیاست بار خاص خودشان را دارند. فقط به یک نمونه تاریخی آن اشاره می‌کنم: وقتی آلفرد ماهان اصطلاح «خاور میانه» و «خاور دور» و «خاور نزدیک» را مطرح می‌کرد، هدف او دستیابی به منابع زیرزمینی و اهمیت نفت برای غرب بود. اینها بایستی امپراطوری بزرگی مانند امپراطوری عثمانی را از سر راه برمی‌داشتند. تجربه‌ای که انگلیسی‌ها در چین و هند انجام داده بودند تجزیه کشورهای حریفشان بود و مانع جدی برای دستیابی به منابع زیرزمینی و مخاطراتی که از جانب اسلام برای آنان بود از یک راه قابل دستیابی بود و آن متلاشی کردن امپراتوری عثمانی بود. پس از جنگ جهانی اول از دل آن کشورهای متعددی ایجاد شد. اینها جزئی از طرحی بود که مبتنی بر دیدگاه مذکور ایجاد شد. این کشورهای کوچکی که تحت استعمار کشور انگلیس درآمدند، با توجه به اعلامیه بالفور یهودیان را به منطقه آورده، کشور جعلی اسرائیل را به وجود آوردند. لذا وقتی ما در زمین خودمان با قواعد دشمن بازی می‌کنیم متوجه نمی‌شویم چه مشکلات استراتژیکی پیرامون ما ایجاد می‌شود. اینها را ما قبلاً با پذیرش مفاهیم فرهنگی و مفاهیم کلیدی آنها ایجاد کردیم. لذا مواردی مثل نابود کردن امپراطوری عثمانی، تشکیل رژیم صهیونیستی، صد سال سیطره حکومت‌های استبدادی در کشورهای منطقه، مواردی مثل تفرقه بینداز و حکومت کن که دکترینی است که وقتی منطقه را تجزیه کردند



مرزها را جوری کشیدند که در مناطق مناقشه‌برانگیز واقع شود و قومیت‌ها را به چند دسته تقسیم کردند تا بتوانند حضور داشته باشند، طراحی شد. غارت نفت و منابع زیرزمینی این کشورها در طول صد سال گذشته یکی دیگر از طرح‌های خاورمیانه بود و بعد از گذشت صد سال آمدند طرح «خاورمیانه بزرگ» را مطرح کردند. این طرح هم از این قواعد تبعیت می‌کرد. ما باید بدانیم چنین قضایایی در صد سال گذشته مبتنی بر یک طرح منسجم و سازمان یافته بود که آرام آرام اجرایی شده لذا نباید اصرار داشته باشیم که این مفاهیم را آن‌طور که دیگران مایلند به کار ببریم.

■ **تأثیر این مفاهیم در سیاست استراتژیک همان‌طوری که شما تشریح کردید پذیرفتنی است، اما بالاخره راهکار کارآمد چیست؟ برای تأثیرگذاری در عرصه سیاست استراتژیک چه راهکاری مطرح می‌کنید؟**

■ راهکاری که من مطرح می‌کنم تنها به ما برنمی‌گردد؛ راهی است که اساساً در علم سیاست و حقوق بین‌الملل و از همه مهم‌تر در علوم استراتژیک مطرح است. مقوله اقدام نامتقارن که سیاست پذیرفته‌شده و دکترین پذیرفته‌شده جمهوری اسلامی است و قویاً و عمیقاً جزو مواردی است که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) به آن عنایت ویژه‌ای دارند و همیشه در دانشکده علوم استراتژیک به‌عنوان طرح ایرانی مورد توجه قرار می‌گیرد، ناظر به این است که در زمین خودتان و در زمین بیگانه شما باید به قواعد خودتان عمل کنید. اگر همین فرض ساده و همین تعریف ساده را بپذیریم که الآن شاه‌بیت دکترین مقام معظم رهبری در سطح جهانی است شما اگر امروز به اسناد منتشرشده توسط انستیتو جرج سی مارشال در امنیت

زمین منطقه جنوب غرب آسیا متعلق به ماست.  
مفهوم «خاورمیانه» و قواعدی که به خاورمیانه مطرح می‌شود مربوط به غربیان و بیگانگان است.  
تا زمانی که ما در اینجا مطالعات خاورمیانه داریم یعنی خودمان را در شرق آمریکا تعریف می‌کنیم که این بار معنای بسیار گسترده‌ای دارد و بسیار اشتباه است.

راهکار کارآمد این است که مفاهیم مطرح‌شده توسط سیاست استراتژیک دشمن را به چالش بکشیم و این مفاهیم را به کار نبریم. به اصطلاح در زمین خودمان با قواعد دشمن بازی نکنیم.

بین‌الملل (کل اتحادیه اروپا یک مرکز امنیت استراتژیک دارد به نام مرکز جرج سی مارشال) مراجعه کنید، این مرکز در سند شماره ۱۰ خود که سه سال پیش منتشر شد، اقدام ایزومتریکال اکشن را منسوب به ایران می‌کند و می‌گوید در حوزه تخصصی سیاست جهانی، این ایرانی‌ها هستند که یک جهت را دنبال می‌کنند؛ در زمین خودشان و دشمن به قواعد خودشان عمل می‌کنند نه به قواعد بیگانه. لذا با توجه به چنین نکته‌ای عجیب است که ما هنوز با گذشت سی و چند سال از انقلاب اسلامی یا برخی مفاهیم غربی سیاست خودمان را رقم بزنیم با وجود اینکه در رأس نظام این موارد به چالش کشیده شده است. اگر بخواهیم پاسخ شما را به صورت کلیدی بدهم، راهکار کارآمد این است که مفاهیم مطرح‌شده توسط سیاست استراتژیک دشمن را به چالش بکشیم و این مفاهیم را به کار نبریم. به اصطلاح در زمین خودمان با قواعد دشمن بازی نکنیم.

نکته دوم قدرت مفهوم‌سازی ایجاد کنیم. مفاهیم را جایگزین کنیم بخواهیم و مفاهیم استراتژیک جایگزین را ابداع کنیم. در این حوزه‌ها رهبران نظام مفاهیم کلیدی دارند. اگر به نمونه‌هایی

از آن اشاره کنیم، در سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی شکل گرفت، تقسیم جهان به صورت بلوک شرق و غرب بود. مفهومی که چپی‌ها و طرفداران شوروی و مارکسیت‌ها به کار می‌گرفتند مفهوم «امپریالیسم» بود. امام می‌توانست مفهوم امپریالیسم را به کار بگیرد. ایشان نیامد در زمین خودمان با قواعد مدرنیسم‌های چپ کمونیست بازی کند؛ آمد مفهومی را ابداع کرد که ریشه و بن‌مایه آن در قرآن بود. از واژه «استکبار جهانی» استفاده کرد و یا در تقسیم‌بندی بین جهان اسلام و جهان کفر دو اصطلاح داشت: دارالسلام و دارالحرب که دارالسلام را می‌گرفتند دارالایمان و دارالحرب را می‌گرفتند دارالکفر. یک تقسیم‌بندی ژئوپلیتیکی خاص اخوان المسلمین در مصر و سوریه و اردن و جاهای دیگر بود امام آمدند دو مفهوم جایگزینی تخصصی‌تر و قرآنی را به کار بردند که بسیار عمیق بود و همچنان هم مطرح است. امام از قید استضعاف و استکبار مستضعفین و مستکبرین یاد کردند یعنی در جهان اسلام و بیرون جهان اسلام مستضعف داریم؛ در جهان اسلام و بیرون جهان اسلام مستکبر داریم. مثلاً مستکبر جهان اسلام می‌شود دولت وهابی عربستان سعودی. چه اتفاقی اینجا افتاد؟ امام با مفهوم‌سازی خودشان از دل قرآن و متون دینی ادبیات استراتژیکی را برای اداره و مناسبات کشور رقم زدند که این ادبیات همچنان زنده است. دقت کنید به اصطلاحاتی که امام برای آمریکا به کار بردند، مثل «ام‌الفساد غرب». کلمه فساد و اصلاح واژه قرآنی است به آمریکا انگیز زدند که آمریکا هیچ‌وقت نمی‌تواند بلند بشود. قید شیطان بزرگ برای آمریکا، آمریکا تروریست بالذات، آمریکا استکبار جهانی. این اصطلاحات چقدر خوب می‌نشیند: تقسیم جهان به دو بعد مستضعفین و مستکبرین.

لذا مبحثی که مورد نظر من است برای اینکه یک سیاست تازه‌ای داشته باشیم و بتوانیم در صحنه سیاست استراتژیک حرف اول را بزنیم باید قدرت تولید مفهوم داشته باشیم. اگر شما به ادبیات امام راحل (ره) و شخص رهبر معظم انقلاب، امام امت در دوره اخیر نگاه کنید متوجه می‌شوید که چه مفاهیم مناسب و گزاره‌های کلیدی وجود دارد که می‌شود از آنها استفاده کرد. ضمن اینکه سایر مسئولان در سطوح مختلف یعنی در رؤسای سه قوه، وزراء، فرماندهان نظامی، اساتید دانشگاه‌ها، پژوهشگران مراکز مطالعاتی مختلف، اینها هم باید در سطح و شأن خود تولید مفهوم کنند نه اینکه مفاهیم شناخته‌شده بیگانه را لایتغیر و به مثابه وحی منزل تلقی کنند. لذا راه‌حل مورد نظر در تأثیرگذاری در این حوزه این است در غیر این صورت مادامی که ما تابع این مفاهیم قرار گیریم - که تعدادشان هم با کمال تأسف زیاد است که ما فقط یکی از این اصطلاحات که خاورمیانه است را بررسی کردیم و متوجه نیستیم که در حقوق بین‌الملل این مفاهیم چه بار حقوقی دارند - در سیاست بین‌الملل در مورد ما تصمیم می‌گیرند و با ما برخورد می‌کنند و ما با پذیرش این مفاهیم دست و پای خودمان را در حوزه حقوق بین‌الملل و همچنین در حوزه سیاست استراتژیک می‌بندیم. آن روز معلوم می‌شود که چه زیان و خسارتی متوجه ما شده است. لذا شکستن بت اقتدار و هژمون این مفاهیم می‌تواند گام اول محسوب بشود. در شرق کره زمین برای اینکه واژه «خاوردور» جا نیفتد، از اصطلاح «جنوب شرق آسیا» استفاده کردند و این واژه امروز کاملاً جاافتاده در صحنه روابط بین‌الملل رعایت می‌شود. لذا امروز من فکر می‌کنم از واژه «جنوب غرب آسیا» به جای کلمه «خاورمیانه» استفاده کنیم می‌توانیم مفهوم سابق را خنثی بکنیم.